

مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتی نسبت به کودکان کار شهر تهران (مورد مطالعه: شرکت های همکار مدیریت شهری)^۱

زینب صمیمی فرد* ، علی اکبر تاج مزینانی**

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۲۵

چکیده

مطالعه حاضر به بررسی وضعیت مسئولیت پذیری شرکت های همکار شهرداری تهران نسبت به کودکان کار و همچنین بررسی چگونگی استفاده و ترویج اصل مسئولیت اجتماعی شرکتی برای کاهش پدیده کار کودک در سطح شهر تهران می پردازد. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، روش کیفی است که با تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شده است. برای انتخاب نمونه از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شد و مطلعین کلیدی از بین فعالین سازمان های مردم نهاد، کارشناسان و مدیران و خبرگان دانشگاهی انتخاب شدند. انجام

۱- این مقاله با حمایت شهرداری تهران (مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران) انجام و پذیرفته شده است.

* کارشناسی ارشد مدیریت خدمات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).
z.samimii@gmail.com

** استادیار و عضو هیأت علمی گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
atmazinani@yahoo.com

مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت که این امر با انجام ۲۵ مصاحبه محقق شد. برای تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده از روش تحلیل مضمونی استفاده شد که در نهایت پنج مقوله کلی در دو دسته چستی و چرایی مرتبط با موضوع پژوهش استخراج گردید.

مقولات بدست آمده عبارت‌اند از: سه نسلی شدن پدیده کار کودک، زنجیره تأمین معیوب، زمینه‌های اثربخشی CSR، سیاست‌های رفاهی-اقتصادی منجر به کار کودک، فقدان بستر مناسب عمل به CSR. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر ماهیت و علل کار کودک و نحوه ارتباط آن با شرکت‌های همکار مدیریت شهری است. علاوه بر این، ماهیت مسئولیت اجتماعی در ارتباط با کودکان کار را تشریح کرده و نشان می‌دهد که زمینه عمل به مسئولیت اجتماعی برای این شرکت‌ها مهیاست یا خیر.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت اجتماعی شرکتی، کودک کار، مدیریت

شهری، شهرداری، شرکت‌های همکار مدیریت شهری

بیان مسأله

تزلزل نقش سنتی حکومت‌ها، اشکال جدیدی از حاکمیت، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی را ضروری ساخته است. در این میان، مسئولیت اجتماعی شرکتی^۱، چارچوبی برای همکاری بین شرکت‌ها، حکومت و جامعه مدنی فراهم آورده است که می‌تواند سازوکارهای جدید حاکمیتی پدید آورد. این مدل حاکمیتی می‌تواند بین فعالیت‌های مختلف هم‌افزایی ایجاد کرده و برای برخی از مسائل اجتماعی مانند بیکاری، فقر، کار کودکان و انزوای اجتماعی، راه‌حل ارائه کند (شاه‌حسینی، ۱۳۹۵).

پدیده کار کودک^۲ یکی از معضلات گریبان‌گیر اکثر شهرهای بزرگ در جهان معاصر است. گسترش پدیده به حدی است که هم جوامع توسعه‌یافته و هم جوامع

1. Corporate Social Responsibility (CSR)

2. Child Labour

در حال توسعه را به خود مشغول کرده است. در جوامع در حال توسعه کودکان کار در شرایط بسیار نامطلوب از نظر تغذیه، بهداشت و انجام کارهای خطرناک و حاد به سر می‌برند. به دلیل وجود این شرایط نامطلوب در کنار کار کودک، این کودکان می‌توانند به راحتی بازیچه دست بزهکاران حرفه‌ای اعم از سارقین یا باندهای توزیع مواد مخدر، عوامل ایجاد خانه‌های فساد و... قرار گیرند؛ و همچنین عدم بهره‌گیری از آموزش و تحصیل علم و فن، قدرت رقابت با سایر کودکان در ایجاد یک زندگی سالم را هرچه بیشتر از این کودکان سلب می‌کند. بنابراین می‌توان گفت کودکان کار در جوامع در حال توسعه از وضعیت حادث‌تری برخوردار هستند. البته زمینه‌ها و عوامل گسترش این پدیده و راه‌های مقابله با آن در جوامع مختلف متفاوت است. کشور ایران و مخصوصاً شهر تهران نیز در این مسیر از بروز و گسترش این پدیده و پیامدهای اجتماعی ناگوار آن مصون نمانده است.

مشاهدات مستقیم و مستند سازمان‌های غیردولتی که با تکیه بر فعالیت و شرایط کاری کودکان درگیر در مشاغل سخت هستند، مشخص می‌کند که باگذشت بیش از دو دهه از پیوستن دولت ایران به مقاله نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار، نه تنها اقدام جدی جهت محو بدترین اشکال کار کودک صورت نگرفته، بلکه اوضاع کاری کودکان به مراتب ناگوارتر شده است. متأسفانه در جای‌جای جامعه ما، از خیابان گرفته تا شرکت‌های ساختمانی، کارگاه‌های تولیدی، بازیافت زباله، خدمات رفت و روب شهری و شرکت‌های پیمانکاری همکار شهرداری و ... تعداد قابل توجهی کودک مشغول کار هستند و از چشم عامه مردم پنهان هستند. کار کودکان نه تنها بنیان طبیعی و حقوقی انسانی را پایمال می‌کند، بلکه تهدیدی جدی برای آینده اجتماعی و رشد و پیشرفت اقتصادی است. براین اساس کارشناسان به‌عنوان یک معضل اجتماعی به آن می‌نگرند.

کودکان این حق را دارند از کار آزاد باشند و به‌صورت رایگان آموزش ببینند. اما حقوق بیانگر آن است که دیگران باید وظایفی را متقبل شوند. احترام، حفاظت و تحقق حقوق بشر جزء مسئولیت اصلی دولت‌ها بشمار می‌رود. بسیاری از حقوق اساسی

کودکان مانند بهداشت، آموزش، حقوق شهروندی، آزادی‌ها، و... از جمله حقوقی است که دولت‌ها در تحقق آن‌ها، وظیفه سنگینی دارند. در کنار نقش دولت‌ها نهادهای دیگری نیز در تحقق حقوق کودک مؤثرند، از جمله بخش خصوصی همکار با مدیریت شهری^۱. شرکت‌های همکار مدیریت شهری^۲ با پایبندی به حقوق بشر که از جمله این حقوق این است که کودکان قربانی کار نشوند، می‌توانند به کاهش معضل کار کودک کمک کنند.

امروزه تمام افرادی که مشغول فعالیت‌های اقتصادی هستند به‌خوبی آگاهند که اعمال مسئولانه و منصفانه و اقداماتی که موجب بهبودی کیفیت زندگی افراد جامعه می‌شود منجر به سودآوری برای هر دو طرف معامله خواهد شد. از اصل مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌توان برای تغییر نگرش مدیران، کارمندان، مصرف‌کنندگان، برای بهبود وضعیت جامعه و محیطی که در آن مشغول فعالیت هستند استفاده کرد. مشارکت سازمان در حل مشکلات اجتماعی می‌تواند کمک زیادی در خلق کیفیت زندگی بهتر برای افراد کند. بر همین اساس نیز می‌توان از این اصل در بین شرکت‌های همکار شهرداری برای مقابله با کار کودک و بهبود شرایط آن‌ها استفاده کرد.

شرکت‌های همکار مدیریت شهری در شهر تهران می‌توانند با حمایت از کودکان کار، و همچنین اتخاذ تصمیماتی مبنی بر عدم بکارگیری کودکان به ایفای هر چه بهتر مسئولیت اجتماعی شرکتی خود پرداخته و با پایبندی به این اصل، بازار فعلی خود را حفظ کرده و آن را تقویت‌کننده. پایبندی به مسئولیت اجتماعی شرکتی، همچنین

1. Urban Management

۲- شرکت‌های همکار مدیریت شهری، زنجیره تأمین و پیمانکاران شهرداری هستند. این زنجیره تأمین و پیمانکاران جزء بدنه شهرداری نیستند، بنگاه‌های اقتصادی یا شرکای اقتصادی هستند که با شهرداری تهران در قالب قراردادهای کاری وارد فعالیت می‌شوند، به عبارتی پیمانکارانی که ذیل سازمان‌های مختلف و معاونت‌های مختلف مثل سازمان مدیریت پسماند و یا سازمان میادین و تره‌بار و دیگر شرکت‌ها و سازمان‌ها، و همچنین ذیل معاونت‌های مختلف شهرداری از جمله، معاونت خدمات شهری و یا معاونت عمران، با شهرداری تهران همکاری می‌کنند.

موجب بهبود تصویر ذهنی در مورد این شرکت‌ها شده تا جایی که حتی می‌توان به آن به‌عنوان یک مزیت رقابتی^۱ نگریست.

همچنین شرکت‌های همکار مدیریت شهری با استفاده از سازوکارهای مؤثر برای تأیید سن می‌توانند اقداماتی اتخاذ کنند که هیچ کودک زیر سن قانونی در محل کار وجود نداشته باشد، و تا حد امکان، به کودک و خانواده او برای دسترسی به خدمات مناسب و جایگزین مناسب برای کار کمک کنند، و از اعمال نفوذ برای تأثیر بر دیگر کسب‌وکارهای وابسته برای کاهش کار کودکان استفاده کنند. در این پژوهش به این موضوع خواهیم پرداخت که چگونه می‌توان از اصل مسئولیت اجتماعی برای کاهش معضل کار کودکان استفاده کرد.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

در باب اهمیت توجه به مقوله مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها، به این نکته می‌توان اشاره کرد که شرکت‌ها و پژوهشگران آن را هم‌تراز ارزش‌های سازمان در قبال جامعه می‌دانند. در این دیدگاه، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در پرتو رسوایی‌های سازمان‌ها، نگرانی‌ها در قبال جهانی شدن و عدم اعتماد فزاینده به سازمان‌ها به موضوع مهمی در دستور کار شرکت‌ها تبدیل شده است. رعایت اخلاق کسب‌وکار و مسئولیت‌های اجتماعی از سوی سازمان، سبب افزایش مشروعیت اقدامات سازمانی و بهبود مزیت رقابتی شده و موفقیت سازمان را به همراه می‌آورد (رحمان سرشت، ۱۳۸۸).

گالبرایت^۲ در سال ۱۹۷۳ در کتاب خود با عنوان "تصویری اقتصادی از شرکت‌ها"^۳ توجه مردم را به سمت رشد فزاینده اندازه و قدرت برخی شرکت‌ها معطوف کرد و ابراز داشت که شرکت‌های بزرگ دارای قدرتی عمومی و همگانی

1. Competitive Advantage
2. John Kenneth Galbraith
3. The Economic Image of Corporate Enterprise

شده‌اند که این قدرت می‌تواند بر روی سلامت و رفاه عمومی جامعه و افراد تأثیرگذار باشد. دونالدسون^۱ نیز در تأیید ادعای گالبرایت خاطرنشان ساخت که شرکت‌های بزرگ قابلیت تأثیرگذاری بر روی جریان‌های بزرگ اجتماعی دارند و قدرت آن‌ها صرفاً اقتصادی نیست، بلکه سیاسی و اجتماعی نیز هست. این توانایی شرکت‌های بزرگ برای اعمال آنچه که پارکینسون^۲ به آن "قدرت تصمیم‌گیری اجتماعی" می‌گوید، باعث شده شرکت‌ها در اتخاذ تصمیم‌های کلان به عواقب اجتماعی آن توجه نشان دهند. به عبارتی می‌توان گفت شرکت‌ها تصمیم‌های خصوصی می‌گیرند که دارای نتایج همگانی است. در چنین شرایطی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌عنوان یکی از ابزارهای اداره شرکت‌ها مطرح می‌شود. بنابراین پرداختن به مقوله مسئولیت اجتماعی از اهمیت فراوانی برخوردار است و تأثیر بسزایی بر موفقیت و عدم موفقیت شرکت‌ها دارد.

پرداختن به پدیده کار کودک از این لحاظ حائز اهمیت است که، در خصوص کودک کار با کودکانی مواجه هستیم که بجای این که زمان خود را در مدرسه گذرانده و مشغول آموزش و پرورش دیدن باشند تا رشد پیدا کنند و مهارت‌های اساسی زندگی را بیاموزند و با مفاهیم قانون و محیط و فضا آشنا شده و قوانین طبیعی و اجتماعی و جامعه‌پذیری را فراگیرند، با کودکانی روبرو هستیم که به‌نوعی بدون گذراندن دوران کودکی و شادی کودکانه متناسب با این سن ناگهان بزرگ شده و گویی کودکی آنان زیر بار و سنگینی کارکشته می‌شود. این کودکان از فضا و امکانات مناسب تفریح و بازی و شادی کودکانه متناسب با سن خود محروم هستند. بدیهی است که در اثر این پدیده هم جامعه کنونی و هم آینده جامعه از نظر عدم پرورش صحیح نسل آینده متأثر می‌شود و این سرکوبی استعدادها و فشار زندگی در کودکی، در آینده به‌صورت واکنش‌های منفی به جامعه بازگشته و منجر به بزهکاری و مشکلات بسیاری می‌شود.

1. Donaldson
2. Parkinson

با توجه به این که امروزه انتظارات و توقعات مردم از شرکت‌ها، فراتر از چارچوب‌های اقتصادی بوده و قدم به خواست‌های اجتماعی گذاشته، بنابراین با توجه به مفاهیم کاربردی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، نقش نهادهای عمومی همچون مدیریت شهری در سیاست‌گذاری را بیش‌ازپیش مهم ساخته است. شرکت‌های همکار مدیریت شهری با پرداختن به معضلات اجتماعی جامعه می‌توانند به‌خوبی نقش اجتماعی خود را در بهبود رفاه جامعه ایفا کنند.

از آنجا که موضوع مسئولیت اجتماعی جدید و حائز اهمیت است، و همچنین در ایران توجه چندانی با آن نشده است، پژوهشگر بر آن شد تا با مطالعه این موضوع، اهمیت آن را خاطر نشان ساخته و مسئولیت‌های اجتماعی مدیریت شهری در قبال کودکان کار را شناسایی کند. با وجود استقبال برخی سازمان‌ها جهت پایبندی به اصل مسئولیت اجتماعی، ورود علمی و مناسبی به موضوع کودکان کار نداشته‌اند. در ایران نگاه پژوهشی به کار کودک کم بوده است. و در پژوهش‌های انجام شده به ارتباط مسئولیت اجتماعی شرکتی و کودکان کار پرداخته نشده است. هرکدام از دو مقوله کار کودک و مسئولیت اجتماعی، به‌تنهایی و یا در ارتباط با دیگر مقولات سازمانی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ولی پژوهشی که به این دو مقوله همزمان پرداخته باشد و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را نسبت به کودکان کار مورد بررسی قرار داده باشد، یافت ن‌شد. لذا در این پژوهش تلاش شده با توجه به اطلاعات و مستندات مسأله کار کودک در ایران، علل و عوامل مؤثر بر آن بررسی و راهکارهایی برای ترویج مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها جهت مقابله با این معضل اجتماعی یا کاهش آن پیشنهاد شود.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش شناخت وضعیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌های همکار مدیریت شهری نسبت به کودکان کار در شهر تهران است.

در کنار هدف اصلی، این پژوهش به دنبال اهداف زیر نیز می‌باشد:

۱. شناخت مسأله کار کودکان در ارتباط با شرکت‌های همکار شهرداری تهران با

تکیه بر اصل مسئولیت اجتماعی شرکتی.

۲. بررسی چگونگی استفاده و ترویج اصل مسئولیت اجتماعی شرکتی در بین

شرکت‌های همکار شهرداری تهران برای کاهش پدیده کار کودکان در سطح شهر.

سؤالات پژوهش

۱- شرکت‌ها و سازمان‌های همکار مدیریت شهری در شهر تهران نسبت به

کودکان کار چه مسئولیت‌هایی دارند؟

۲- جلوه‌ها و مکانیسم‌های ایجاد یا تداوم پدیده کار کودکان در اثر عملکرد

شرکت‌های همکار با مدیریت شهری در شهر تهران چیست؟

۳- آیا می‌توان از ظرفیت‌های اصل مسئولیت اجتماعی شرکتی و ترویج آن در

بین شرکت‌های همکار مدیریت شهری برای مقابله با کار کودک در شهر تهران استفاده

کرد؟

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر یکی از وجوه اجتماعی، اقتصاد، سیاست،

یکپارچگی اجتماعی و اخلاقیات متمرکز است. این فرض از چهار عامل سرچشمه

می‌گیرد که در هر نظام اجتماعی وجود دارد؛ انطباق با محیط (بر سر منابع و مسائل

اقتصادی)، دستیابی به هدف (در مسائل سیاسی)، یکپارچگی اجتماعی و حفظ الگوها یا

نهفتگی آن‌ها (در رابطه با فرهنگ و ارزش‌ها). این فرض این امکان را به ما می‌دهد که نظریه‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را در چهار گروه تقسیم کنیم:

۱- نظریه‌های ابزاری^۱

نخستین گروه فرض بر آن دارد که شرکت ابزاری است برای ایجاد ثروت، و ثروت آفرینی تنها مسئولیت آن است. تنها جنبه اقتصادی تعامل‌های موجود میان کسب‌وکار و جامعه درخور توجه است. از این‌رو، هر فعالیت مفروض اجتماعی در صورتی، و تنها در صورتی، پذیرفته است که با ثروت آفرینی همراه باشد (کرین و دیگران، ۱۳۸۹). نماینده این رویکرد فریدمن^۲، بر این باور است که "تنها مسئولیت کسب‌وکار در قبال جامعه بیشینه کردن سود سهامداران در چارچوب مقررات حقوقی و سنت‌های اخلاقی کشور است. به سه گروه اصلی از نظریه‌های ابزاری می‌توان اشاره کرد:

۱-۱ بیشینه‌سازی ارزش سهامداران^۳

فریدمن^۴ (۱۹۷۰) به روشنی در این مورد سخن گفته است. در این رهیافت بیشینه کردن ارزش سهامداران به‌عنوان ضابطه برتر در ارزشیابی فعالیت‌های اجتماعی سازمان در نظر گرفته می‌شود. هر سرمایه‌گذاری در تأمین خواست‌های اجتماعی که موجب افزایش ارزش سهامداران است باید انجام شود.

۲-۱ راهبردهایی برای دستیابی به برتری رقابتی^۵

این گروه از نظریه‌ها بر چگونگی تخصیص منافع برای دستیابی به هدف‌های اجتماعی بلندمدت و ایجاد برتری رقابتی متمرکز است. این نظریه شامل رهیافت‌های متفاوتی است.

-
1. Instrumental theories
 2. Freedman
 3. Maximizing the shareholder value
 4. Milton Friedman
 5. Strategies for achieving competitive advantages

الف) سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی در محیط رقابتی در این رهیافت عقیده بر این است که سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های انسان دوستانه ممکن است تنها راه بهسازی محیط برتری رقابتی شرکت باشد.

ب) چشم‌انداز طبیعی مبتنی بر منابع شرکت و قابلیت‌های پویای آن بر پایه این دیدگاه، برخی از مؤلفان منابع و قابلیت‌های اجتماعی و اخلاقی را مشخص کرده‌اند که می‌تواند سرچشمه برتری رقابتی باشد، از جمله تصمیم‌گیری اخلاقی، فرآیند ادراک و پاسخگویی یا سازگاری، و ایجاد روابط شایسته با ذی‌نفعان درجه اول، کارکنان، مشتریان، عرضه‌کنندگان و جوامع (پرتر و کریمر، ۲۰۰۲).

۱-۳- وابسته - بازاریابی علت

بازاریابی علت - وابسته به معنی فرآیند فرمول‌بندی و اجرای فعالیت‌هایی در قلمرو بازاریابی تعریف می‌شود که با عرضه کمک سازمان‌ها به مقدار مشخص به انجام هدفی تعیین شده همراه است. و در شرایطی پیش می‌آید که مشتریان در دادوستدهای درآمدزایی که هدف‌های سازمانی و فردی را تأمین می‌کند درگیر می‌شوند. (واراداراجان و منون، ۱۹۸۸). بنابراین، هدف این بازاریابی افزایش درآمد و فروش شرکت یا رابطه با مشتری و تأثیر آن در اعتلای نام تجاری آن از طریق بکارگیری بعد اخلاقی یا مسئولیت اجتماعی و مشارکت در آن است.

۲- نظریه‌های سیاسی^۱

گروه دوم بر قدرت اجتماعی سازمان‌ها، به‌ویژه در رابطه با جامعه و مسئولیت آن‌ها در قلمرو سیاسی وابسته به قدرت، تأکید دارد. این نگرش سازمان‌ها را به پذیرش وظایف اجتماعی و حقوقی یا شرکت کردن در همکاری‌های معین اجتماعی رهنمون می‌شود.

به سه نظریه اصلی از این گروه می‌توان اشاره کرد:

1. Political theories

۲-۱ قانون باوری سازمان‌ها^۱

دیویس^۲ (۱۹۶۰) یکی از نخستین کسانی بود که نقش قدرت سازمان‌ها در جامعه و تأثیر اجتماعی این قدرت را کشف کرد. در جریان این کار او قدرت کسب‌وکار را یک عنصر تازه در مباحث مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌داند. او بر این عقیده است که کسب‌وکار، نهادی اجتماعی است و باید قدرت را مسئولانه بکار برد. دیویس در زمینه این که چرا قدرت اجتماعی باید مدیریت شود به دو اصل اشاره می‌کند: "معادله قدرت اجتماعی"^۳ و "قانون آهنین مسئولیت"^۴.

۲-۲ نظریه تماس اجتماعی یکپارچه ساز^۵

دونالدسن^۶ (۱۹۸۲) رابطه میان کسب‌وکار و جامعه را از نگاه سنت تماس اجتماعی، به‌ویژه از دیدگاه اندیشه فلسفی لاک، می‌نگریست. او بر این باور بود که نوعی پیمان ضمنی اجتماعی میان سازمان‌ها و جامعه وجود دارد و این پیمان اجتماعی بر وجود نوعی الزامات غیرمستقیم سازمان در برابر جامعه دلالت دارد.

۲-۳ شهروند بودن سازمان‌ها^۷

ماتن و همکاران در سال ۲۰۰۳ سه نگرش به "شهروند بودن سازمان‌ها" را تشخیص دادند: ۱. نگرش محدود که در آن شهروند بودن سازمان‌ها به مفهومی بسیار نزدیک به انسان‌دوستی سازمان‌ها، سرمایه‌گذاری اجتماعی، یا پذیرش برخی مسئولیت‌ها در برابر جامعه بکار می‌رود. ۲. نگرش هم‌ارز شمردن آن با مسئولیت اجتماعی شرکتی،

-
1. Corporate constitutionalism
 2. Davis
 3. The social power equation
 4. The iron law of responsibility
 5. Integrative social contract theory
 6. Donaldson
 7. Corporate citizenship

که بسیار رایج است. کارول بر این باور است که شهروند بودن سازمان‌ها مفهوم‌سازی برای نقش سازمان‌ها در جامعه به نظر می‌رسد و با توجه به این که چگونه تعریف شود همپوشی‌ای گسترده با دیگر نظریه‌های مربوط به مسئولیت سازمان‌ها در جامعه دارد. ۳. نگرش گسترده که در آن سازمان‌ها در مواردی به پهنه شهروندی وارد می‌شوند که دولت در حمایت از شهروندی ناتوان بماند.

۳- نظریه‌های یکپارچه ساز^۱

گروه سوم نمایشگر نظریه‌هایی است که اعتقاد بر تمرکز بر ادغام تقاضاهای اجتماعی و مسائل عمومی در راهبردهای سازمانی دارد. آن‌ها به‌طور معمول در این باره بحث می‌کنند که کسب‌وکار برای تداوم و رشد خود و حتی برای ادامه موجودیتش به جامعه وابسته است و تقاضاهای اجتماعی را ابزاری می‌داند برای مشروعیت و اعتبار دادن به سازمان. نظریه‌هایی که در این رویکرد می‌توان به آن اشاره کرد عبارت‌اند از:

۳-۱- مدیریت مسائل

واریتیک و رود^۲ مدیریت مسائل را به‌عنوان فرآیندی تعریف کرده‌اند که سازمان‌ها از طریق آن می‌توانند مسائل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر سازمان‌ها را مشخص و ارزیابی کنند و به آن‌ها پاسخ‌گویند. و به‌عنوان نیرویی هماهنگ‌کننده و یکپارچه ساز در درون سازمان‌ها، یافتن پاسخ‌های نظام‌مند و اثربخش به مسائل ویژه را تحریک می‌بخشد (گاریگا و مله، ۲۰۰۴).

۳-۲- اصل مسئولیت‌پذیری عمومی^۳

پرستن و پست^۱ رویکرد پاسخگویی و رویکرد فرآیند نگر محض را انتقاد می‌کنند و آن‌ها را ناکافی می‌دانند و در مقابل "اصل مسئولیت مردمی" را پیشنهاد دادند. آن‌ها

-
1. Integrative theories
 2. Wartick and Rude
 3. The principle of public responsibility

واژه "مردمی" را انتخاب کردند که بر اهمیت فرآیند مردمی، نه بر نگرش اخلاقی- شخصی مسئولیت‌ها تأکید کنند. بر اساس این نگرش، اگر سازمان از معیارهای عملکرد منطبق بر قانون و فرآیند سیاست مردمی موجود پیروی کند، به لحاظ پاسخگویی به انتظارات اجتماعی شایسته به حساب می‌آید.

۳-۳- مدیریت ذی‌نفعان^۲

این رویکرد به جای تمرکز بر پاسخگویی همگانی، مسائل ویژه یا اصل مسئولیت مردمی، به "ذی‌نفعان" یا کسانی که در خط‌مشی‌ها و روش‌های سازمان‌ها تأثیر می‌گذارند یا از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند گرایش دارد. مدیریت ذی‌نفعان می‌گوید تا گروه‌هایی را که نفعی در شرکت دارند در تصمیم‌گیری مدیریتی مشارکت دهد.

۳-۴- عملکرد اجتماعی سازمان‌ها^۳

کارول (۱۹۷۹) مدلی از "عملکرد سازمان‌ها" مشتمل بر سه عنصر ارائه داده است: تعریف اساسی مسئولیت اجتماعی، فهرستی از مسائلی که مسئولیت اجتماعی در مورد آن‌ها وجود دارد و مشخص کردن فلسفه پاسخ به مسائل اجتماعی. کارول مسئولیت اجتماعی را رشته کامل الزاماتی را که سازمان در قبال جامعه دارد تعریف می‌کند که باید مقوله‌های اقتصادی، حقوقی، اخلاقی و اختیاری عملکرد سازمان را دربر داشته باشد.

۴- نظریه‌های اخلاقی^۴

گروه چهارم نظریه‌ها براین باور است که رابطه میان کسب‌وکار و جامعه سرشار از ارزش‌های اخلاقی است. این نکته نگرش به مسئولیت اجتماعی شرکتی از دیدگاه اخلاقی را به همراه می‌آورد، در نتیجه سازمان‌ها باید مسئولیت‌های اجتماعی را به‌سان

-
1. Preston and Post
 2. Stakeholder management
 3. Corporate social performance
 4. Ethical theories

نوعی تعهد اخلاقی فراتر از هرگونه اندیشه دیگر پذیرا شوند. عمده رهیافت‌های این گروه عبارت‌اند از:

۴-۱- نظریه‌های هنجاری ذی‌نفعان^۱

فریمن در کتاب "مدیریت استراتژیک: رویکرد ذینفعان"^۲ به گروه‌هایی که در شرکت نفع یا ادعایی دارند (عرضه‌کنندگان، مشتریان، کارکنان، سهامداران و جامعه محلی) اشاره می‌کند. بر پایه این نظریه، سازمان‌های مسئول به لحاظ اجتماعی لازم است به‌طور همزمان هم به منافع روای ذی‌نفعان شایسته توجه داشته باشند و هم منافع چندگانه را موازنه کنند و تنها به منافع سهامداران شرکت توجه نداشته باشند (کرین، ۱۳۸۹).

۴-۲- حقوق جهانی^۳

حقوق انسانی، به‌ویژه در بازار جهانی، پایه مسئولیت اجتماعی شرکتی قرار گرفته است. در سال‌های اخیر رویکردهای حقوق بشری به مسئولیت اجتماعی مطرح شده است. یکی از این رویکردها، پیمان جهانی سازمان ملل متحد (۱۹۹۹) است که شامل اصولی در مورد حقوق بشر، نیروی کار و محیط‌زیست است. رویکرد دیگری که پیش‌ازین مطرح شده بود اصول جهانی سولیوان^۴ است که هدف آن حمایت از عدالت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سازمان‌ها در قلمرو کسب‌وکار است.

۴-۳- توسعه پایدار^۵

در گزارشی از کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ آمده است که "توسعه پایدار" در پی تأمین نیازهای امروز بدون به خطر انداختن توانایی نسل

-
1. Normative stakeholder theory
 2. Strategic Management: a Stakeholder Approach
 3. Universal rights
 4. Global Sullivan Principles
 5. Sustainable development

آینده در تأمین نیازهای خویش است. در ابتدا تنها عامل زیست - محیطی در توسعه پایدار مطرح بود ولی از آن‌پس گسترش‌یافته و توجه به بُعد اجتماعی به‌مثابه جزء جدایی‌ناپذیر توسعه مطرح است.

۴-۴- رویکرد منافع مشترک^۱

این رویکرد معتقد است که سازمان‌ها، همچون هر گروه اجتماعی یا فرد دیگر در جامعه، باید به خیر مشترک کمک کند، زیرا خود جزئی از جامعه است و باید کمک دهنده‌ای نیکخواه به بهروزی جامعه باشد. سازمان‌ها از طرق مختلف از قبیل ایجاد ثروت، فراهم کردن کالاها و خدمات به‌گونه‌ای کارا و منصفانه و احترام به عزت‌نفس و حقوق مسلم و اساسی افراد می‌توانند به خیر مشترک کمک کنند (مله، ۲۰۰۲).

هدف بررسی این نظریه‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی این بود که محقق به یک درک مناسبی از موضوع رسیده و به کمک این مطالب بتواند به چارچوب مفهومی مناسبی جهت پیشبرد اهداف پژوهش دست یابد. نظریه‌های مرور شده به دو منظور مورد بررسی قرار گرفتند، هدف اول روشن شدن فضای مفهومی موضوع مورد بررسی برای محقق است و هدف دوم، کمک به محقق برای طراحی سؤالات مصاحبه است.

اولین گروه از نظریه‌ها که مورد بررسی قرار گرفت، نظریه‌های ابزاری بود. در نظریه‌های ابزاری اعتقاد بر این است که، مسئولیت اجتماعی تنها به‌عنوان ابزاری راهبردی برای دستیابی به مقاصد اقتصادی و در نهایت تولید ثروت در نظر گرفته می‌شود. نظریه‌های ابزاری که نظریه‌هایی نئوکلاسیک نیز نامیده می‌شوند، مبتنی بر ارزش‌هایی مانند فردگرایی، سیستم بازار و جامعه آزاد، رقابت، تقدس حقوق مالکیت و عدم دخالت دولت در امور بخش خصوصی هستند. گروه دوم از نظریه‌های مورد بررسی، نظریه‌های سیاسی بود. در این نظریه‌ها اعتقاد بر این است که مسئولیت اجتماعی بر روی تعاملات و روابط کسب‌وکار و جامعه و نیز قدرت و موقعیت

1. The common good approach

کسب‌وکار و مسئولیت‌های ذاتی ناشی از آن تمرکز دارد. این نظریه‌ها ملاحظات و تحلیل‌های سیاسی را در بحث مسئولیت اجتماعی وارد می‌کنند. نظریه‌های یکپارچه‌کننده سومین گروه از نظریه‌ها بودند که مورد بررسی قرار گرفتند. این نظریه‌ها به چگونگی یکپارچه کردن نیازهای اجتماعی به وسیله کسب‌وکار می‌پردازند و ادعا دارند که کسب‌وکار برای پیدایی، دوام و رشد خود به جامعه وابسته است. آخرین گروه از نظریه‌ها که مورد بررسی قرار گرفت نظریه‌های اخلاقی بود. این نظریه‌ها بر روی نیازمندی‌های اخلاقی که رابطه بین کسب‌وکار و جامعه را مستحکم می‌کنند، تمرکز دارند. این گروه بر اصولی مبتنی هستند که کار درست یا ضرورت دستیابی به جامعه خوب را تبیین می‌کنند.

نظریه‌هایی که سودهای بلندمدت را هدف اصلی خود در نظر می‌گیرند، اغلب از یک روش‌شناسی تجربی استفاده می‌کنند و توصیفی هستند، و درعین‌حال توصیه‌های اقتضایی نیز ارائه می‌دهند. در نقطه مقابل، نظریه‌های اخلاقی، توصیه‌ای هستند و از روش‌شناسی هنجاری بهره می‌گیرند. از سوی دیگر یکپارچه ساختن جنبه‌های تجربی و هنجاری مسئولیت اجتماعی شرکتی، چالش بزرگی به نظر می‌رسد.

چارچوب مفهومی پژوهش

با توجه به این که این پژوهش با رویکرد کیفی انجام گرفته است در آن از چارچوب مفهومی و مفاهیم حساس استفاده شده است. مفاهیم حساس سرنخ‌ها و راهنمایی‌هایی درباره آنچه باید در پی‌اش بود بدست می‌دهند. یک چارچوب مفهومی می‌کوشد جهان اجتماعی را برحسب آرایشی از مفاهیم مرتبط، یا یک طرح مفهومی نمایش دهد (بلیکی، ۱۳۹۰). چارچوب مفهومی می‌تواند بخش مهمی از یک دیدگاه نظری باشد. با این حال، دیدگاه‌های نظری معمولاً از مجموع مفاهیم متفاوتی استفاده می‌کنند. اگر مفاهیم یکسان و مشابهی استفاده شود، معمولاً معنای متفاوتی به آن‌ها داده می‌شود.

برای دستیابی به چارچوب مفهومی مناسب با اهداف پژوهش حاضر، از میان مطالب مطالعه شده که به آن‌ها اشاره شد و آنچه که به‌عنوان مبانی نظری پژوهش مرور شد، نظریه‌های سیاسی و نظریه‌های اخلاقی به‌عنوان رویکرد غالب این پژوهش اتخاذ گردید. علت انتخاب این رویکرد، هماهنگ بودن آن با شرایط جامعه ایران و همچنین تأثیرگذاری بیشتر آن بر بنگاه‌های اقتصادی فعال در جامعه است. انگیزه‌هایی که این رویکرد برای عمل به مسئولیت اجتماعی شرکتی ایجاد می‌کند در مقایسه با دیگر رویکردها، برای انگیزش در شرکت‌های ایرانی مناسب‌تر است.

نظریه‌های سیاسی بر حاکمیت قانون و مشروطیت در سازمان و همچنین شهروندی شرکت‌ها تمرکز دارند. نظریه‌های اخلاقی نیز بیشتر بر مدیریت ذینفعان، رعایت حقوق جهانی و همچنین تأمین منافع عمومی جامعه تمرکز دارند.

اتخاذ این رویکرد ترکیبی و پایبندی به آن از سوی شرکت‌ها مستلزم این است که، شرکت‌ها مسئولیت اجتماعی خود را بر روی تعاملات و روابط کسب‌وکار و جامعه، و همچنین قدرت و موقعیت کسب‌وکار و مسئولیت‌های ذاتی ناشی از آن متمرکز کنند. و همچنین ملاحظات و تحلیل‌های سیاسی را در سیاست مسئولیت اجتماعی خود وارد کنند. همچنین با توجه به بُعد اخلاقی این رویکرد، لازم است شرکت‌ها نیازمندی‌های اخلاقی که رابطه بین کسب‌وکار و جامعه را مستحکم می‌کنند، در اتخاذ سیاست‌ها و نوع فعالیت خود در نظرگیرند.

از لحاظ روش‌شناختی نمی‌توان یک روش واحد برای تمام شرکت‌ها در جهت تدوین سیاست مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارائه داد. ولی آنچه مسلم است این است که، ارائه چارچوب گزارش سالانه مسئولیت‌پذیری اجتماعی از سوی شرکت‌ها بر اساس شاخص‌ها و نتایج حاصل از اتخاذ برنامه‌ها و اقدامات، و همچنین ارزیابی اقدامات طبق استانداردهای جهانی و تأیید صحت و درستی مسیر انتخاب شده، در این راه می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند.

گزارش دهی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، ابزاری کلیدی برای ارتباط با ذینفعان و افراد جامعه بشمار می‌رود که می‌توان آن را "فرآیند انتقال اطلاعات مرتبط با تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی عملکرد اقتصادی شرکت به جامعه" تعریف کرد (شافعی و احمدی، ۱۳۹۲). در تمام این مراحل ارائه گزارش، شرکت باید به اصل پاسخ‌گویی اجتماعی، که وضعیتی است که شرکت علاوه بر تأمین منافع خود، موجبات بهبود رفاه جامعه را فراهم آورد، پایند باشد.

تا زمانی که شرکت‌ها نسبت به مزایای عمل به مسئولیت اجتماعی آگاه نباشند، نمی‌توان این انتظار را داشت که ورود جدی به این مقوله داشته باشند. بنابراین یکی دیگر از استلزامات نهادینه کردن مسئولیت اجتماعی در بین شرکت‌ها، آگاهی دادن به آنان نسبت به منافع است که می‌تواند عاید شرکت و جامعه شود. نظریه‌های سیاسی از منافع مسئولیت اجتماعی برای شرکت پشتیبانی کرده و نظریه‌های اخلاقی تمرکز بر منافع مسئولیت اجتماعی برای جامعه دارند.

یکی از منافع است که در صورت پایبندی به مسئولیت اجتماعی عاید شرکت‌ها می‌شود "دستیابی به مزیت رقابتی" است. مسئولیت اجتماعی، یک دارایی ارزشمند برای مزیت رقابتی بشمار می‌رود و به ایجاد دارایی‌های غیرملموسی مانند شهرت و اعتبار برای شرکت کمک می‌کند (سیفرت و همکاران، ۲۰۰۳). هر چه مشارکت شرکت در امور اجتماعی بیشتر و برجسته‌تر باشد، احتمال جلب پاسخ‌های مثبت از سوی مصرف‌کنندگان و جامعه نیز افزایش می‌یابد.

دیگر مزیت عاید شرکت‌های مسئولیت‌پذیر از لحاظ اجتماعی "کسب تعهد سازمانی" است. اقدامات مسئولانه در برابر جامعه و داشتن شهرت خوب در این زمینه، برای کارکنان جذابیت دارد و موجب استخدام نیروی کاری با بالاترین کیفیت و انگیزه می‌شود.

پایبندی به مسئولیت اجتماعی شرکتی برای جامعه نیز مزایایی در پی دارد. به‌عنوان نمونه، پی بردن به ملاحظات اجتماعی مشترک می‌تواند به همکاری شرکت‌ها

و گروه‌های مختلف با یکدیگر منتهی شود. در نتیجه شرکت‌ها و نیز سازمان‌های غیردولتی را که دغدغه‌های مشترکی دارند، متحد کند در حل مسائل اجتماعی موفق‌تر عمل کنند.

در پایان باید این نکته را بیان کرد که ابعاد مورد تأکید مسئولیت اجتماعی در دهه‌های مختلف، متفاوت بوده و در طول تاریخ، رویکردهای گوناگونی در مورد آن اتخاذ شده و مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین در سال‌های اخیر، تأکید مسئولیت اجتماعی بیشتر بر روی یکپارچه‌سازی ملاحظات اجتماعی و زیست‌محیطی، فعالیت‌های داوطلبانه، رفتار اخلاقی، توسعه اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی شهروندان، حقوق بشر، حفاظت از محیط‌زیست، مبارزه با فساد، شفافیت و پاسخگویی بوده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس نتیجه، کاربردی؛ بر اساس هدف، توصیفی؛ و بر اساس نوع داده، کیفی است. در پژوهش حاضر بنا به ماهیت موضوع تحقیق و هدف پژوهشی، روش کیفی انتخاب شده است؛ روش کیفی، واقعیت اجتماعی را برساخت‌های ذهنیات کنشگران تصور می‌کند که به‌طور مداوم در موقعیت‌های محلی در حال برساخته شدن است (محمد پور، ۱۳۸۹).

جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش مطلعین کلیدی^۱ شامل: اعضای فعال NGOهای مرتبط با کودکان کار؛ مدیران، کارشناسان، برنامه‌ریزان مرتبط با کودکان کار و خبرگان دانشگاهی و محققان می‌باشند. در پژوهش کیفی قاعده‌ای مشخص برای تعیین حجم نمونه وجود ندارد و انتخاب حجم مناسب نمونه، مستلزم معامله‌ای پایاپای بین گستردگی تحقیق و عمق آن است و در این پژوهش تا رسیدن به مرحله اشباع نظری ادامه می‌یابد (محمدی، ۱۳۸۷). در این پژوهش پس از انجام مصاحبه با ۲۵ نفر

از مطلعین کلیدی به اشباع نظری رسیدیم و گردآوری اطلاعات تا موقعی ادامه داشت که دیگر افزایش اطلاعات و مفاهیم میسر نبود.

در پژوهش حاضر از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد و تعیین محل بدست آوردن داده‌های مورد نیاز استفاده شد. همچنین برای مصاحبه با مطلعین کلیدی از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته^۱ با سؤالات نیمه‌باز استفاده شده است. محور اصلی سؤالات پژوهش عبارت‌اند از: جایگاه شرکت‌های همکار مدیریت شهری؛ نقش این شرکت‌ها در دامن زدن به پدیده کار کودک؛ ارزیابی شرکت‌های همکار مدیریت شهری از لحاظ مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ چگونگی حساسیت‌زایی در این شرکت‌ها؛ انگیزه مناسب برای عمل کردن به مسئولیت اجتماعی؛ راهکارهایی برای کاهش کار کودک؛ تأثیر این راهکارها بر شرایط کودکان کار؛ علت وجود شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب مرتبط با موضوع پژوهش.

در پژوهش پیش رو برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی، تحلیل داده‌ها و پاسخ به پرسش‌های پژوهش از روش تحلیل مضمونی^۲ استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

پس از پیاده‌سازی و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده به روش تحلیل مضمونی و در سه مرحله شامل کدگذاری باز، کدگذاری توصیفی و کدگذاری گزینشی به پنج مقوله کلی در قالب دو دسته چیستی و چرایی مرتبط با موضوع پژوهش رسیدیم.

جدول صفحه بعد مقولات کلی پژوهش را نشان می‌دهد. در ادامه جدول به توصیف و بررسی مقولات پرداخته شده است.

-
1. Semi-structured Interview
 2. Thematic Analysis

جدول ۱- مقولات اصلی پژوهش

مقولات مرتبط با چرایی	ردیف	مقولات مرتبط با چیستی	ردیف
سیاست‌های رفاهی - اقتصادی منجر به کار کودک	۱	سه نسلی شدن پدیده کار کودک	۱
فقدان بستر مناسب عمل به CSR	۲	زنجیره تأمین معیوب	۲
		زمینه‌های اثربخشی CSR	۳

مقوله‌های پژوهش

• سه نسلی شدن پدیده کار کودک

این مقوله از چهار مفهوم کلی شیوع کار کودک در نسل‌های مختلف، اختلال در رشد همه‌جانبه کودک، افزایش فقر و آسیب در طبقه‌ای خاص و افزایش بی‌اعتمادی بدست آمده است. جدول مربوط به مفاهیم این مقوله در پایان مطلب ارائه شده است. منظور از این مقوله این است که کار کودک بنا به علل مختلف زیرساختی و ساختاری و یا ریشه‌ای رخ می‌دهد و همین علل سبب تداوم آن نیز می‌شود. و در شرایط حاضر شاهد کودکانی در عرصه کار هستیم که نسل‌های قبلی آن‌ها نیز کودک کار بوده‌اند و احتمال آن می‌رود که کودکان آن‌ها نیز به‌عنوان کودک کار مورد استثمار قرار گیرند. این شرایط نیز به علت عدم رسیدگی به وضعیت این کودکان و فقر شدید حاکم بر این طبقه و همچنین عدم اعتماد بین این طبقه از مردم و بخش خصوصی به وجود آمده است. مطلعین کلیدی متعددی در صحبت‌های خود به این موضوع اشاره کرده‌اند که برای مثال یک مورد ذکر می‌شود:

در مراکزى که بچه‌ها کار می‌کنند هیچ امکاناتی برای بهبود شرایط بچه‌ها وجود ندارد. در بخش بازیافت هم یکسری کانکس گذاشتند و بچه‌ها اونجا با افراد بزرگسال اسکان دارند و همین مورد هم ممکنه خیلی مشکلات برای بچه‌ها ایجاد کنه. بچه از ساعت ۱۰

صبح داره تو خیابون زباله جمع می‌کنه، ساعت ۲ نصف شب می‌برنش اونجا یه تخم‌مرغی بهش میدن میخوره و میخوابه؛ این شرایط زیستی هست که اونها برای یک انسان در قرن بیست و یکم تعریف می‌کنند. هیچ امکاناتی به این بچه‌ها نمی‌دیم و اون بچه کمترین محبتی از جامعه شهری نمی‌بینن. با این شرایط رشد عاطفی-اجتماعیش دچار اختلال میشه و وقتی بچه دچار این اختلال بشه و یاد نگیره دوست داشته باشه و دیگران دوستش داشته باشن، تو بزرگسالی دچار خشونت می‌شه (ط.پ عضو فعال NGO).

جدول ۲- مقوله سه نسلی شدن پدیده کار کودک

مفاهیم کلی	ردیف	مقوله اصلی پژوهش
شیوع کار کودک در نسل‌های مختلف	۱	سه نسلی شدن پدیده کار کودک
اختلال در رشد همه‌جانبه کودک	۲	
افزایش فقر و آسیب در طبقه‌ای خاص	۳	
افزایش بی‌اعتمادی	۴	

• زنجیره تأمین معیوب

این مقوله از سه مفهوم کلی شرایط نامساعد کاری کودکان، جلوه‌های کار کودک و مکانیسم‌های کار کودک تشکیل شده است. شرکت‌های همکار شهرداری و پیمانکاران آن‌ها تقاضای بالایی برای نیروی کار کودک دارند، چون نیروی کار ارزان است و باعث می‌شود سود شرکت‌ها بیشتر شود. بیشتر این شرکت‌ها جنس کارشان از جنس خدمات عمومی است و کارهای مبتنی بر نیروی انسانی و کاربر، نه تکنولوژی بر و دانش‌بنیان. بنابراین نیروی کار کودک نیروی مناسبی برای آن‌هاست. بنابراین در

زنجیره تأمین^۱ این شرکت‌ها کودک کار وجود دارد که این امر ناقض قوانین و همچنین ناقض حقوق کودکان است. کودکانی که در زنجیره تأمین شرکت‌های همکار شهرداری تهران مشغول به کار هستند از لحاظ ایمنی، بهداشت، تغذیه، پرداخت دستمزد و ... شرایط قابل قبولی ندارند. نمونه‌هایی از اشاره مطلعین کلیدی به این موضوع:

من خودم بازدید از محلی در پایین شهر تهران داشتم که گاراژی بود پر از بچه که داشتند کار تفکیک زیاله انجام می‌دادند. و متأسفانه هیچ‌گونه امکاناتی مثل دستکش و ماسک نداشتند، حتی پابرهنه بودند؛ و بیشتر این بچه‌ها افغانی بودند. اونطور که ما پرس و جو کردیم به این نتیجه رسیدیم که اینها دارند برای پیمانکار شهرداری کار می‌کنند. این مورد رو هم خودم دیدم و هم از خیلی جاها شنیدم. فکر کنید با این شرایط به غیر از آسیب‌های روحی که به این بچه‌ها وارد میشه به چقدر بیماری‌های پوستی و تنفسی ممکنه دچار شوند. توی میدونهای تره‌بار هم دیدم که بچه زیر ۱۸ سال کار میکنه (م.ع از فعالین جمعیت امام علی).

شرکت خاکریز آب زیرمجموعه معاونت فنی و عمران هست و بیشتر به جمع‌آوری آب‌های سطحی می‌پردازه و در این قسمت هم پیمانکارها از کودکان کار استفاده می‌کنند چون ممکنه جاهایی نیاز باشه ورود کنن که جشه کوچیکی لازم داشته باشه و علت دیگه هم همون پرداخت مالی کم به اینهاست. به هر حال این اتفاق در سیستم شهرداری پیش اومده که برخی از این کودکان رو در سیستم نظافت شهری بکار می‌گیره، برخی رو در ساخت و ساز، برخی رو در مدیریت پارکها بکار می‌گیره. ما بارها به اینها نامه نوشتیم و یادآوری کردیم و

اعلام کردیم که از بچه‌ها استفاده نکنید، اگر هم بنا به شرایطی دارید از اونها استفاده می‌کنید، حداقل خدماتی که نیاز هست رو به اونها بدید و شرایطی رو برای اون فراهم کنید که کودک بیش از این آسیب نبینه (ف.ق خبره دانشگاهی).

جدول ۳- مقوله زنجیره تأمین معیوب

مفاهیم کلی	ردیف	مقوله اصلی پژوهش
شرایط نامساعد کاری کودکان	۱	زنجیره تأمین معیوب
جلوه‌های کار کودک	۲	
مکانیسم‌های کار کودک	۳	

• زمینه‌های اثربخشی CSR

دیگر مقوله کلی مرتبط با چیستی موضوع، زمینه‌های اثربخشی CSR است. این مقوله به این موضوع می‌پردازد که ماهیت مسئولیت اجتماعی چگونه است و انگیزه مناسب برای عمل به آن چیست. نتیجه‌ای که از مفاهیم و شواهد این مقوله بدست آمد این است که نه انگیزه اخلاقی و نه انگیزه رقابت به‌تنهایی نمی‌توانند اثرگذاری مطلوب را داشته باشند و بهترین روش برای ایجاد رغبت نسبت به عمل به مسئولیت اجتماعی از طریق انگیزش درونی و تلفیق انگیزه‌ها حاصل می‌شود. شرکت‌های همکار شهرداری تهران از طرفی به لحاظ تعدد و مشهود بودن فعالیتشان در سطح جامعه و از طرف دیگر به دلیل داشتن ادعای رسالت اجتماعی باید در قالب مسئولیت اجتماعی به کودکان کار توجه ویژه داشته باشد. برای برنامه‌های بلندمدت اخلاقیات انگیزه مناسب‌تری است ولی اگر به دنبال برنامه کوتاه‌مدت هستیم و نیاز است سریع به نتیجه برسیم باید به دنبال رقابت باشیم. در ارتباط با شرکت‌های همکار شهرداری و مسئولیت آن‌ها نسبت به کودکان کار ترکیبی از این انگیزه‌ها مناسب است.

تمام انگیزه‌ها اعم از خوش‌نامی، رقابت، سود و اخلاق همش توی این مورد مؤثره. البته رویکردهای مختلفی در زمینه CSR هست؛ برخی می‌گن کاملاً اخلاقیه، برخی می‌گن رقابتیه و برخی هم می‌گن سیاسیه، ولی به نظر من هیچ‌کدوم از اینها به‌تنهایی نیست و ترکیبی از اینها رو باید در نظر گرفت. و مورد به مورد، سازمان به سازمان ممکنه سهم این رویکردها متفاوت باشه و یک جا سهم رقابت بیشتر از اخلاق باشد و جای دیگر برعکس. بخشی از این انگیزه‌ها رو جامعه مدنی میتونه توسط فشارهای هنجاری به این سازمان‌ها تزریق کنه، بخشیش هم اخلاقی و درونی هست، بخشیش هم مبتنی بر سود و منافع هست؛ به نظر من باید بسته‌ای از تمام این انگیزه‌ها رو در نظر گرفت و همیشه یکیش رو کنار گذاشت. (پ.ر.مدیر حوزه اجتماعی).

جدول ۴- مقوله زمینه‌های اثربخشی CSR

مفاهیم کلی	ردیف	مقوله اصلی پژوهش
تناسب انگیزه‌های اخلاقی با روح CSR	۱	زمینه‌های اثربخشی CSR
کوتاه‌مدت بودن انگیزه رقابت	۲	
ایجاد انگیزش درونی	۳	
تلفیق انگیزه‌ها	۴	
زمینه مناسب عمل به CSR	۵	

• سیاست‌های رفاهی - اقتصادی منجر به کار کودک

این مقوله مربوط به بخش چرایی موضوع می‌باشد و بر علل کار کودک تمرکز دارد. تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر این موضوع است که علت اصلی کار کودک فقر خانواده و عدم برخورداری از انواع حمایت‌ها و همچنین فقدان نظام رفاهی می‌باشد. همچنین

عدم مداخله و عدم اصلاح سیاست‌های مهاجرتی باعث شده است که از سالیان قبل تا به امروز حجم زیادی از مردم افغانستان به ایران مهاجرت کرده که کودکان آن‌ها بخش عظیمی از کودکان کار را تشکیل می‌دهند. کار کودک سال‌های زیادی است که به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است ولی متأسفانه طی این سال‌ها شاهد این نبودیم که سیاست‌های مؤثر بر این پدیده اصلاح شوند.

شهرداری یک سازمان عمومی است که زیر نظر شورای شهر فعالیت می‌کند، اگر این نهاد را به نوعی دولتی بدانیم، علی‌رغم این که این نهاد در پیمان‌نامه‌هایی که اجرا کرده است، از قبیل شهر دوستدار کودک، متأسفانه به این دلیل که تأمین نیرو را به پیمانکار سپرده است، در زنجیره تأمین خود کودک کار دارد.

شهرداری می‌گوید که من کار را سپردم دست پیمانکار، پیمانکار از مجموعه من خارج شده و قراردادی را بسته و موظف شده نیروی انسانی را خودش تأمین کند. به خاطر این که موظف شده نیروی انسانی را خودش تأمین کند و هیچ نظارتی از طرف شهرداری بر این تأمین نیرو نیست، هر نیرویی را که به پیشبرد کارش کمک کند استخدام می‌کند و کارش را پیش می‌برد. چه کسی ارزان‌تر، چه کسی در دسترس‌تر و چه کسی حرف‌شنوتر از کودکان؟؟ این کودکان هستند که سهل‌الوصول‌ترند و سود بیشتری عاید پیمانکار می‌کنند. متأسفانه این پیمانکاران این کودکان رو استخدام که نه، به کار می‌گیرند (خ.ص. کارشناس حقوقی).

جدول ۵- مقوله سیاست‌های رفاهی- اقتصادی منجر به کار کودک

مفاهیم کلی	ردیف	مقوله اصلی پژوهش
فقدان نظام جامع رفاهی و چتر حمایتی	۱	سیاست‌های رفاهی- اقتصادی منجر به کار کودک
سیاست‌های غلط مهاجرت	۲	
افزایش آمار کودکان کار به دلیل مباحث اقتصادی و فقر	۳	
عدم اصلاح سیاست‌های مرتبط با کودکان کار در طی زمان	۴	
اقدامات غیرمسئولانه و غیر هدفمند	۵	
دلایل تخصیص کار کودک در شرکت‌های همکار مدیریت شهری	۶	

• فقدان بستر مناسب عمل به CSR

یکی از مقوله‌های کلیدی این پژوهش فقدان بستر مناسب عمل به CSR است. جدول مرتبط با مقولات اصلی و فرعی این مقوله در ادامه آورده شده است. این مقوله از دو مفهوم کلیدی فقدان زمینه‌های تئوریک و فقدان زمینه‌های عملی تشکیل شده است. تمرکز اصلی این مقوله حول این محور است که آیا از لحاظ تئوری و عملی زمینه عمل به مسئولیت اجتماعی در این شرکت‌ها نسبت به کودکان کار مهیا است یا خیر. بررسی‌های بعمل آمده نشان می‌دهند که ایران در سطوح ابتدایی توجه به مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی قرار دارد و لازم است اقدامات و برنامه‌های مناسبی جهت افزایش آگاهی در مورد ضرورت توجه به مسئولیت اجتماعی شرکتی در ایران، که شرکت‌های همکار شهرداری تهران از این امر مستثنا نیستند، به اجرا درآیند. در هر دو بخش بستر نظری و عملی نظر مطلعان کلیدی بر این بود که تا رسیدن به وضع مطلوب فاصله داریم و شرایط عمل به CSR مهیا نیست. شرکت‌های همکار شهرداری تهران

نسبت به ضرورت عمل به CSR توجیه نیستند، همچنین قوانین الزام‌آوری در این زمینه وجود ندارد که بتوان این شرکت‌ها را به رعایت حقوق کودکان ملزم کرد، حتی در مواردی که قوانینی در این زمینه وجود دارد، امکان فرار از این قوانین توسط استثنائات قانون کار برای این شرکت‌ها وجود دارد. در کل شاهد فقدان دغدغه و تفکر اجتماعی به‌طور سیستماتیک در این شرکت‌ها هستیم.

در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکتی، ادبیات واحد و مدیریت یکپارچه در کشور نداریم. در تمام دنیا مدیریت شهری، مدیریت واحدی است. اداره شهر با شهرداری است، اداره مدرسه با شهرداری است، اداره بیمارستان با شهرداری است. ولی این اتفاق در ایران رخ نداده است و دلیل این شکاف این است که هر ارگانی جداگانه عمل می‌کند و باهم هماهنگ نیستند. مدیران هنوز به اهمیت این موضوع واقف نشده‌اند. ضرورت پرداختن به این موضوع را حس نکرده‌اند. بنابراین سازمان‌هایی که ضرورت CSR را درک نکرده باشند، به این موضوع ورود نمی‌کنند.

با تحلیل مصاحبه‌ها به این نتیجه کلی رسیدیم که بستر عمل به مسئولیت اجتماعی مهیا نیست و این امر می‌طلبد که در اولین گام برای این اصل مهم شرکتی زمینه‌سازی شود و آموزش‌های لازم به مدیران و پیمانکاران داده شود و در جایی که نیاز به تصویب یا اصلاح ماده قانونی وجود دارد با فشار جامعه مدنی و NGOهای فعال در حوزه کودک کار این امر محقق شود. تعداد زیادی از مطلعین کلیدی به این مورد اشاره کردند که در اینجا به ذکر دو نمونه اکتفا می‌کنیم.

در سیستم شهرداری تهران نظارت ضعیف است، مسئولیت اجتماعی

در قراردادهای پیمانکاران دیده نشده. اگر شهرداری تهران این بند را در

قراردادهای پیمانکاران بیاورد و نظارت کند، به همان اندازه به کاهش

کودکان کار کمک می‌کند. تا زمانی که این شرکت‌ها و سازمان‌ها سند و

منشور CSR خودشان را تدوین نکنند برایشان الزام‌آور نیست. همه اینها

باید آیین‌نامه و سند و منشور مسئولیت اجتماعی خودشان را تدوین کنند،

آنجاست که ملزم می‌شوند به ارائه گزارش‌های سالانه و بعد آن گزارش‌ها توسط مقامات بالاتر با واقعیت تطبیق داده می‌شود و بعد از آن می‌توان از شرکت‌ها انتظار داشت به مسئولیت اجتماعی خودشان عمل کنند (ص.۱). مدیر مشارکت‌های اجتماعی در مجموعه شهرداری).

وضعیت مطلوب آینده که این سازمان‌ها و پیمانکارانشون به مسئولیت اجتماعی خودشون عمل کنند و در راستای ساماندهی کودکان کار فعالیت کنند، ولی حالا چرا عمل نمی‌کنند دلیلش این است که به نظر من مدیران اعتقاد راسخ به این قضیه ندارند. ما زیرساخت‌های لازم رو نداریم و باید زیرساخت‌ها اصلاح شود، توی همه سطوح. یک موضوع دیگری که در این مورد دخیل است این است که الان معلوم نیست متولی امر کودکان کار و خیابان کیه و ما یه نظام مدیریتی جامع در این زمینه نداریم. اداره کل اجتماعی شهرداریه و یا معاونت اجتماعی وزارت کشور؟ وزارت بهداشت؟ نیروی انتظامیه؟ ما یه مدیریت جامع تو این مورد نداریم و هرکسی سهم خودش رو میندازه گردن اون یکی؛ چون توی این موضوع خاص متمرکز عمل نمی‌کنیم، بنابراین نمی‌تونیم زمینه رو برای عمل به CSR آماده کنیم (ا.ر سردبیر روزنامه).

جدول ۶- مقوله فقدان بستر مناسب عمل به CSR

مفاهیم اصلی پژوهش	ردیف	مفاهیم کلی	ردیف	مفاهیم فرعی
فقدان بستر مناسب عمل به CSR	۱	فقدان زمینه‌های تئوریک	۱	عدم تمرکز بر CSR و کودکان کار
	۲		۲	توجه نبودن شرکت‌ها نسبت به CSR
	۳		۳	اهمیت خروجی و نتیجه برای مدیریت شهری و غفلت از فرآیند
	۴		۴	فقدان تفکر اجتماعی

فقدان سیستم یکپارچه	۱	فقدان زمینه‌های عملی	۲
فقدان بانک اطلاعاتی متمرکز	۲		
ناکارآمدی قوانین	۳		
فقدان ابزارهای نظارتی و حقوقی	۴		
برخورد غیرمسئولانه و سلیقه‌ای و برچسب زدن بر کودکان کار	۵		

بحث و نتیجه‌گیری

کار کودک به یک معضل بسیار جدی در شهرهای بزرگ مخصوصاً تهران تبدیل شده است و تا به حال راه‌حل دقیقی برای این معضل اندیشیده نشده است ولی آنچه به‌طور قطع می‌تواند بر این پدیده مؤثر باشد این است که همکاری نهادهایی مانند شهرداری و بهزیستی و دیگر سازمان‌های متولی می‌تواند تا حد زیادی به کاهش این معضل کمک کند و سبب شود وضعیت کودکان و نوجوانانی که به کار مشغول هستند و از دیده‌ها پنهان و نیاز به حمایت دارند بهبود پیدا کند.

مسئولیت اجتماعی شرکتی، موضوعی است که امروزه در کشورهای توسعه‌یافته از سوی حکومت، شرکت‌ها، جامعه مدنی و مراکز علمی به شدت دنبال می‌شود. شرکت‌ها به مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌عنوان نوعی استراتژی می‌نگرند که به آن‌ها کمک می‌کند در فضای رقابتی بر اعتبارشان افزوده و قدرت آن‌ها را در بازار افزایش دهد. نتیجه‌ای که در این پژوهش به آن دست‌یافتیم این است که شرکت‌های همکار شهرداری تهران به‌عنوان یک واحد اقتصادی - اجتماعی جامعه باید به‌صورت فعال در بهبود رفاه اجتماعی جامعه خود مشارکت داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌های خود، جامعه را به‌عنوان یک ذی‌نفع در نظر داشته باشند. و با عمل به مسئولیت اجتماعی خود نسبت به کودکان کار به یک مزیت رقابتی دست‌یافته و از آن برای

افزایش سود خود استفاده کنند. این نوع نگرش با نظریه‌های ابزاری مسئولیت اجتماعی همخوانی دارد.

نتیجه دیگری که از این پژوهش حاصل شد این است که در صورت فعالیت مجموعه‌ای از نهادها و مؤسسات و شرکت‌ها در کشور که به واسطه آن فعالیت‌ها برای جامعه مخاطراتی ایجاد شده و یا این که از فعالیت در جامعه عواید زیادی نصیبشان می‌شود، در قبال آن مخاطرات و عواید حاصله باید نفعی برای آن جامعه داشته باشند. بنابراین نهادهایی مثل شهرداری و شرکت‌های وابسته به آن که عموماً مؤسسات پر درآمدی هستند و از جامعه سود قابل توجهی کسب می‌کنند، باید در قبال این منافع بخشی از عواید خود را صرف کمک به جامعه‌ای که در آن هستند کنند. در این زمینه معمولاً باید سراغ کسانی بروند که به‌طور معمول منتفع نیستند و به‌نوعی در حاشیه قرار گرفته‌اند و امکان استفاده از منابع عمومی برای آن‌ها وجود ندارد. یکی از آسیب‌پذیرترین این افراد کودکان کار هستند. و البته این فعالیت‌ها برای خود شرکت‌ها نیز سودآوری دارد. وقتی شرکتی فعالیت‌های مدنی انجام می‌دهد، می‌تواند برای کار خود تبلیغ کند، و از قبل آن تبلیغ به‌نوعی مشتریان خود را افزایش دهد. در هر حال مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی اگر درست و نظام‌مند انجام شود برای دو طرف سود خواهد داشت. این استناد از لزوم پرداختن به مسئولیت اجتماعی با رویکرد سیاسی به مسئولیت اجتماعی همخوانی دارد.

دلیل دیگر بر لزوم پایبندی مجموعه مدیریت شهری به مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند این باشد که در تمام دنیا شهرداری‌ها بخش عظیمی از وظایف تأمین رفاه اجتماعی را بر عهده دارند. و دلیل مهم‌تر از لحاظ عملکردی این که خیلی از این شرکت‌های همکار شهرداری با کار کودک در حین فعالیتشان تماس مستقیم دارند. زنجیره تأمین و پیمانکاران شهرداری، بنگاه‌های اقتصادی یا شرکای اقتصادی هستند که با شهرداری در قالب قراردادهای کاری وارد فعالیت می‌شوند، پیمانکارانی که ذیل سازمان‌های مختلف و معاونت‌های مختلف مثل سازمان مدیریت پسماند و یا سازمان

میادین و تره‌بار، ذیل معاونت خدمات شهری و یا معاونت عمران با شهرداری همکاری می‌کنند. متأسفانه این شرکای اقتصادی علاوه بر این که به مسئولیت اجتماعی خود نسبت به کودکان کار عمل نمی‌کنند، خود کودکان را به کار می‌گیرند.

کارول، در مطالعه‌ای با عنوان "هرم مسئولیت اجتماعی بنگاه" برای هر بنگاه چهار دسته مسئولیت اجتماعی قائل شده است. به تعبیر دیگر، او مسئولیت اجتماعی هر بنگاه را برآیند چهار مؤلفه زیر می‌داند:

۱. نیازهای اقتصادی؛

۲. رعایت قوانین و مقررات عمومی؛

۳. رعایت اخلاق کسب‌وکار؛

۴. مسئولیت‌های بشردوستانه.

در مورد اول بنگاه‌ها موظف هستند که نیازهای اقتصادی جامعه را برآورند و کالاها و خدمات مورد نیاز آن را تأمین کنند و انواع گروه‌های مردم را از فرآیند کار بهره‌مند سازند. در مورد دوم آن‌ها وظیفه دارند. به بهداشت و ایمنی کارکنان و مصرف‌کنندگان خود توجه کنند. محیط‌زیست را نیالایند، از معاملات درون‌سازمانی بپرهیزند، دنبال انحصار نروند و مرتکب تبعیض نشوند، اعم از تبعیض قومی، تبعیض جنسی و سومین مؤلفه مسئولیت بنگاه، اخلاق کسب‌وکار است. در این قلمرو اصولی چون صداقت، انصاف و احترام جا دارند. چهارمین مؤلفه، مسئولیت‌های بشردوستانه است. تعبیر دیگر کارول از این مؤلفه، "شهروند خوب" بودن است، یعنی مشارکت بنگاه در انواع فعالیت‌هایی که معضلات جامعه را فرو کاهد و کیفیت زندگانی آن را بهبود بخشد.

اگر بخواهیم یافته‌های این پژوهش را با دسته‌بندی کارول مقایسه کنیم، این‌گونه می‌توان استدلال کرد که شرکت‌های همکار شهرداری تهران باید به اصول اخلاقی پایبند بوده، بر اساس اصل احترام به حقوق دیگران از جمله حقوق کودکان، هیچ کودکی را در فعالیت‌های خود بکار نگیرند؛ در ارائه گزارش‌های خود اصل شفافیت و صداقت

را رعایت کرده و اگر در زنجیره تأمین خود از کودکان استفاده می‌کنند، آن را گزارش داده و یا هرگونه اقدام خود علیه کار کودک و در جهت بهبود شرایط آن‌ها و همچنین تأثیر این اقدامات را در گزارش‌هایی شفاف به سطوح بالاتر اعلام کرده و همچنین این گزارش را در اختیار شهروندان نیز قرار دهند. این نوع از پابندی به مسئولیت با نوع سوم از دسته‌بندی کارول هماهنگی دارد.

توجیه دیگر برای رعایت مسئولیت اجتماعی نسبت به کودکان کار بر پایه استدلال چهارم کارول است. شرکت‌های همکار شهرداری تهران با انجام فعالیت‌های بشردوستانه در قبال کودکان کار می‌توانند گامی در جهت رسیدن به "شهروند خوب" بودن برداشته و اعتبار خود در جامعه را افزایش دهند. این نوع از شهروند بودن با "مشارکت فعالانه در جامعه محلی" همسان است. این فرض مبتنی بر نظریه قرارداد اجتماعی است. شهروندی شرکتی با مسئولیت اجتماعی نسبت به کودکان کار ارتباط خیلی نزدیکی دارد زیرا به‌طور خاص با نوع دوستی ارتباط پیدا می‌کند.

در جامعه فعلی ایران به دلیل نوپدید بودن موضوع مسئولیت اجتماعی شرکتی و با توجه به این نکته که این مقوله به‌تازگی وارد ادبیات شرکتی ایران شده است و به‌طور کامل شناخته شده نیست و این احتمال وجود دارد که درصد بالایی از مدیران شرکت‌ها با این مفهوم آشنایی نداشته باشند، بنابراین می‌توان گفت به دلیل نوپدید بودن مقوله CSR، یک نتیجه‌گیری کلی و منطقی این است که به‌طورکلی در تمام بنگاه‌های اقتصادی فعال در سطح جامعه و به‌طور خاص در زیرمجموعه شهرداری تهران به مقوله CSR به‌صورت جدی پرداخته نشده است و ارتباط خاص این مقوله با بهبود شرایط کودکان کار مورد غفلت قرار گرفته است.

در بحث مسئولیت اجتماعی شرکتی نباید نقش حکومت را نادیده گرفت. سیاست‌گذاری حکومت در ترویج مسئولیت‌پذیری اجتماعی باید به‌گونه‌ای باشد که از یک‌سو برای محیط کسب‌وکار آمادگی پذیرش مسئولیت‌پذیری را فراهم کند و از سوی دیگر فضا برای سازمان‌هایی که مسئولیت‌پذیری را رعایت نمی‌کنند سخت‌تر شود.

به عبارت دیگر حکومت در سیاست‌گذاری‌ها، آیین‌نامه‌ها و مقررات موضوعه خود میان سازمان‌های مسئولیت‌پذیر و غیر مسئولیت‌پذیر تفاوت قائل شود. تحقق این موضوع نیازمند بازنگری در قوانین و مقررات و محیط کسب‌وکار از یکسو و تطبیق این مقررات از نظر مسئولیت‌پذیری اجتماعی از سوی دیگر است. این موارد نیز در خصوص شرکت‌های همکار شهرداری رعایت شود. برای تشویق هر چه بیشتر این شرکت‌ها به پایبندی به مسئولیت‌های اجتماعی خود، باید دولت و شهرداری در ارائه مزایا، بین شرکت‌های مسئولیت‌پذیر و غیر مسئولیت‌پذیر تفاوت قائل شود.

کودکان کار در شرایط بسیار نامطلوب از نظر تغذیه، بهداشت و انجام کارهای خطرناک و حاد به سر می‌برند. همچنین عدم بهره‌گیری از آموزش و تحصیل علم و فن، قدرت رقابت با سایر کودکان در ایجاد یک زندگی سالم را از این کودکان خواهد گرفت. بنابراین بسیار محتمل است که کودکان کار امروز، فردا بزرگسالانی شوند با انبوهی از مشکلات؛ این کودکان در بزرگسالی با مشکلات شدید سازگاری با محیط، کارآمدی در ادراک، خودشناسی، توانایی در کنترل رفتار، عزت‌نفس، توانایی در برقراری روابط محبت‌آمیز و موفقیت در فعالیت‌های کاری روبرو خواهند شد. حداقل انتظاری که از شرکت‌های همکار شهرداری می‌رود این است که اگر در فعالیت کاری خود از نیروی کار کودک استفاده می‌کنند، ولو بالای ۱۵ سال، در وهله اول مفاد پیش‌بینی شده در قانون کار (ماده ۷۹ الی ۸۴) که مرتبط با شرایط کار نوجوانان است را رعایت کنند. همچنین به اسناد حقوق بشری و اسناد بین‌المللی همچون کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار، پیمان‌نامه حقوق کودک و مقاله‌نامه منع بدترین اشکال کار کودکان که جمهوری اسلامی ایران آن‌ها را پذیرفته است، پایبند باشند.

از نظر مطلعین کلیدی هرچند هدف اصلی این شرکت‌ها، افزایش کارایی و کسب سود است، ولی برای دستیابی به موفقیت، باید به انتظارات اجتماعی و موضوعات اخلاقی واکنش مناسب نشان دهند و امکان دستیابی به اهداف بالاتر را برای خود امکان‌پذیر سازند. پایبندی شرکت‌ها به رعایت حقوق کودکان و بکار نگرفتن آن‌ها به

کار، بخصوص کارهای سخت به میزان مشروعیت این شرکت‌ها افزوده و آن‌ها را شرکت‌هایی حساس به مسائل اجتماعی در جامعه معرفی می‌کند. توجه و تأکید بر اصول اخلاقی جهان‌شمول، تدوین منشور اخلاقی سازمان، تدوین منشور مسئولیت اجتماعی، اقدامات متناسب و سازگار با خواست و حساسیت‌های جامعه، برنامه‌های آموزشی بلندمدت و کوتاه‌مدت برای مدیران و کارکنان، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به شرکت‌ها در دستیابی به این اهداف کمک کند.

با وجود این که در قانون مالیات‌های مستقیم، در ماده ۱۷۲، قانون‌گذار اجازه داده که بنگاه‌ها و شرکت‌ها و مؤدیان به‌صورت عام، چنانچه بخشی از درآمد خود را در راستای انجام یکسری وظایف از جمله ساخت مدرسه، بیمارستان، کمک به مراکز بهزیستی و کودکان کار و ... اختصاص دهند، در قبال آن بخشی از درآمد که به این امور اختصاص داده شده، شامل معافیت مالیاتی شوند و یکسری آیین‌نامه و ضوابط اجرایی هم برای این مورد پیش‌بینی کرده است و مبنای قانونی عمل به مسئولیت اجتماعی وجود دارد، ولی موضوع مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های همکار شهرداری تقریباً می‌توان گفت در اجرا به‌عنوان این که یک وظیفه نهادینه باشد، مغفول مانده است.

کار کودک به یک معضل بسیار جدی در شهرهای بزرگ مخصوصاً تهران تبدیل شده است و همان‌گونه که اشاره شد تعداد زیادی از این کودکان در زنجیره تأمین شرکت‌های همکار شهرداری مشغول به کار هستند. با وجود این موضوع تا به حال راه‌حل دقیقی برای این معضل اندیشیده نشده است. آنچه به‌طور قطع می‌تواند بر این پدیده مؤثر باشد این است که همکاری‌های نهادی مانند شهرداری و دیگر سازمان‌های متولی کودکان کار می‌تواند تا حد زیادی به کاهش این معضل کمک کند و سبب شود وضعیت کودکان و نوجوانانی که به کار مشغول هستند و از دید پنهان هستند و نیاز به حمایت دارند بهبود پیدا کند.

با توجه به شرایط فعلی جامعه ما رسیدن به هدف مطلوب حذف کار کودک مقدور نیست و بهترین حالتی که می‌توان متصور شد کاهش خسارات وارده به کودکان ناشی از کار و بهبود شرایط آن‌ها می‌باشد. برای تحقق این هدف نیاز به طراحی بنیادین سیاست‌های مؤثر و برنامه‌های حذف کار کودک داریم. طراحی این سیاست‌ها و برنامه‌ها باید به نحوی باشد که بتواند پاسخگویی شرایط گوناگون و در حال تغییر جامعه باشد و چشم‌انداز آن حذف تمامی انواع کار کودک با اولویت حذف اضطراری بدترین اشکال و سپس حذف تدریجی دیگر انواع کار کودک باشد.

شرایطی که می‌توان برای کودکان کار ایجاد کرد این است که، کار کودک تحت کنترل درآمد و کار برای آن‌ها آسیب‌زا نباشد، بلکه ممر درآمدی باشد برای آن‌ها؛ حتی‌الامکان درآمد برای خودشان باشد و انگیزه کار کردن خانواده نباشد؛ سن کار کودک پایین‌تر از ۱۵ سال نیاید؛ کار کودک به هیچ‌عنوان مانع تحصیل او نشود؛ ساعات کار کودک کاهش یابد؛ شرایط کاری آن‌ها بهبودیافته و ایمنی محیط کار افزایش یابد، شرایط کاری باید به نحوی باشد که در مراحل رشد کودک اختلال وارد نکرده و به سلامت جسمی و روانی آنان آسیب وارد نکند؛ کودکان کاری انجام دهند که منجر به مستقل شدنشان شود؛ کاری را انجام دهند که به آن علاقه دارند و به نسبت سنشان با انجام دادن آن کار تحت فشار نباشند و تحت حمایت قانون باشند و در محیط کاری مورد تحقیر و تعرض قرار نگیرند. و در کل شاخص‌های رفاه آن‌ها ارتقا پیدا کند و در کنار کار کودک یک شرایط حمایتی برای آن‌ها ایجاد شود که کاهش آسیب و درد و رنج کودکان کار را شاهد باشیم. درعین حال باید آگاهانه عمل شود و بدانیم محو کار کودک ریشه در کجا دارد و چگونه اتفاق خواهد افتاد.

موضوع دیگری که باید به آن توجه داشت این است که قانون اساسی، شهرداری را موظف کرده است به آموزش حقوق شهروندی، یکی از حقوق شهروندی حقوق کودک است. شهرداری در هر دو بُعد ضعیف عمل کرده است؛ هم در حقوق شهروندی به معنای عام و هم در حقوق شهروندی به معنای خاص در حیطه کودکان. کشوری که

در سطح جهانی پای پیمان‌نامه حقوق کودک را امضا کرده است و به آن معتقد است باید برنامه‌ریزی‌های دقیقی در خصوص تحقق آن داشته باشد.

بحث مهم دیگر سیاست‌زدایی از حقوق کودک است، به دلایلی بحث کودک درگیر مسائل سیاسی شده است و طیف‌هایی خاصی از سیاست به این مسأله نگاه می‌کنند. یکی از اولویت‌های جامعه ما باید سیاست‌زدایی از بحث حقوق کودک باشد. برای ایجاد حساسیت باید حقوق کودک را به‌عنوان یک اولویت ملی در نظر بگیریم. یکی از موانع تحقق این موضوع این است که کشور ایران در اسفند ۱۳۷۲ با «قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک» و با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسماً این کنوانسیون را پذیرفت؛ مشروط بر آن‌که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد و متأسفانه با وجود گذشت بیش از دو دهه از امضای آن، شرایط خود را به‌صورت مشخص اعلام نکرده است. مسلماً چنین پذیرشی در اجرای پیمان‌نامه حقوق کودک، تأثیرات بازدارنده دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، در راستای مقابله با کار کودک از طریق مسئولیت اجتماعی شرکتهای، پیشنهادهاى زیر را می‌توان ارائه داد:

- انجام پروژه‌های تحقیقی باهدف شناسایی علل کار کودک به‌طور عام و به‌طور خاص در شرکتهای همکار شهرداری تهران.

- تعیین یک‌نهاد نظارتی مستقل برای نظارت بر زنجیره تأمین شرکتهای همکار مدیریت شهری.

- ارزیابی سیاست‌های مجموعه مدیریت شهری در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکتهای.

- بررسی موانع نهادینه شدن مسئولیت اجتماعی شرکتهای در بین شرکتهای همکار مدیریت شهری.

- ارزیابی اثرات فعالیت شرکت‌های همکار شهرداری بر روی شاخص‌های رفاه در کودکان کار.
- تدوین برنامه‌هایی برای الزام پیمانکاران شهرداری به رعایت حقوق کودک از طریق مفاد قرارداد.
- حصول شناخت دقیق از ماهیت فعالیت شرکت‌های همکار شهرداری و پی بردن به انگیزه متناسب با نوع فعالیت آن‌ها برای ترویج مسئولیت اجتماعی شرکتی در بین آن‌ها.
- استخراج چالش‌ها، نقاط قوت و نقاط ضعف سیاست‌های کلان مدیریت شهری در حوزه کودک کار.
- برگزاری جشنواره‌های سازمانی و برون‌سازمانی و معرفی ایده‌های برتر در زمینه مسئولیت‌پذیری شرکتی در قبال آسیب‌های اجتماعی.
- تشکیل کمیته مسئولیت اجتماعی شرکتی در هیات مدیره شرکت‌های همکار مدیریت شهری.
- منع بدترین اشکال کار کودک و اشکال پنهان کار کودک در مجموعه پیمانکاران شهرداری تهران.
- ترجمه تعداد بیشتری از مقالات، گزارش‌ها و موردکاوی‌های در خصوص مسئولیت اجتماعی شرکتی، به زبان فارسی.
- ایجاد یک پایگاه جمع‌آوری داده به‌عنوان مرکز ارجاع در مورد نمونه‌های موفق و ابزارهای کاربردی عمل به مسئولیت اجتماعی شرکتی.

منابع

- استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت. (۱۳۸۵)، *اصول روش تحقیق کیفی (نظریه مبنایی)*، ترجمه: بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی نسبت به کودکان ... ۱۱۵

- الوانی، سید مهدی؛ قاسمی، سید احمدرضا. (۱۳۷۷)، *مدیریت و مسئولیت‌های اجتماعی سازمان*. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- امیدوار، علیرضا. (۱۳۹۱)، *مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها: پارادایم غالب اداره شرکت‌ها. خبرنامه حاکمیت و مسئولیت شرکتی*.
- امیدوار، علیرضا. (۱۳۹۲)، *ضرورت‌های سیاست‌گذاری حکومت در ترویج و توسعه ظرفیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی، با نگاهی به تجربه ایران و هند*. کمیسیون اخلاق کسب‌وکار و مسئولیت اجتماعی.
- امیری، زهرا. (۱۳۸۷)، *مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها و اهمیت توجه به آن. نشریه میثاق مدیران*. شماره ۳۳.
- بی‌بی، ارل. (۱۳۸۸)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. ترجمه: رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت.
- بیکر، ترز. آل. (۱۳۸۸)، *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*. ترجمه: هوشنگ نائی. تهران: نشر نی.
- چاوش‌باشی، فرزانه. (۱۳۸۹)، *مسئولیت اجتماعی و نقش آن در ارتقای بهره‌وری و مزیت رقابتی شرکت‌ها. پژوهش‌نامه مسئولیت اجتماعی*. شماره ۶۲. نشر پژوهشکده تحقیقات راهبردی. ص ۷۱-۹۴.
- حافظیان، محمدحسین. (۱۳۷۷)، *راهکارهای بانک جهانی برای رفع کار کودکان. نشریه کار و جامعه*. شماره ۲۶.
- حافظیان، محمدحسین. (۱۳۷۶)، *کار کودکان. مجله کار و جامعه*. شماره ۲۳.
- حجازی، رضوان؛ نصیری، سپیده سادات. (۱۳۹۳)، *مفاهیم شهروند شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها. مجله پژوهش حسابداری*. شماره ۱۵.
- حسینی، سیدحسن. وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*. سال پنجم. شماره ۱۹.

- حسینی، مهدی. (۱۳۸۹)، جایگاه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها. *ماهنامه اندیشه گستر سایپا*. شماره ۱۰۸.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۷)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه: هوشنگ نائی. تهران: نشر نی.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۱)، نظریه و روش در تحقیقات کیفی. *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۱۷.
- رجایی، هادی. (۱۳۹۲)، عوامل مؤثر بر مسئولیت اجتماعی سازمان در شهرداری تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۸)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. جلد اول و دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شافعی، رضا؛ احمدی، کیومرث. (۱۳۹۲)، *مسئولیت اجتماعی سازمانی: مفاهیم، نظریه‌ها، الگوها و کاربردها*. تهران: سمت.
- شریعتی، هادی. (۱۳۹۴)، *کودکانی که بیش از یک کارگر کار می‌کنند/ بکارگیری کودکان کار در مشاغل ممنوعه*. بازیابی شده در ایران آنلاین <http://www.ion.ir/News/3669.html>
- شریعتی، هادی. (۱۳۹۴)، *اشتغال کودکان در چهار شغل ممنوعه*. بازیابی شده در پایگاه تحلیلی خبری خانواده و زنان. <http://mehrkhane.com/fa/news/19011>
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی*. سال پنجم. شماره دوم.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۳)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه: هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتهای نسبت به کودکان ... ۱۱۷

- قراچورلو، رزا. (۱۳۹۲)، *وضعیت کودکان کار و خیابان طبق اسناد بین‌المللی و در ایران*. بازیابی شده از کانون وکلای دادگستری اصفهان.

<http://isfahanbar.org/vdcgrq9x4ak9z.pra.html>

- کامگار، مولود. (۱۳۷۲)، بررسی اشتغال به کار کودکان و نوجوانان زیر سن کار در ایران. *مجموعه مقالات سمینار جمعیتی*. مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.

- کرین، اندرو و دیگران. (۱۳۸۹)، *مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها: خواندنی‌ها و مورد پژوهی‌ها در عرصه جهانی*. گروه مترجمین بنیاد توانمندسازی منابع انسانی ایران. تهران: شهرداری تهران، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

- لهسایی زاده، عبدالعلی؛ اشرفی، حجت‌الله. (۱۳۸۱)، بررسی عوامل تعیین‌کننده کار کودکان (مطالعه موردی شهرستان کاشان)، *پژوهشنامه پژوهش فرهنگی*. شماره ۲۰۱.

- محمدصادقیان، حسن؛ عباسی، علی. (۱۳۹۲)، عوامل اجتماعی و اقتصادی کار کودک (پژوهش موردی: شهر تهران)، *نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*. شماره ۲۹۱.

- محمدی، بیوک. (۱۳۸۷)، *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- محمدی، خلیل. (۱۳۹۴)، بررسی عوامل مؤثر بر بروز پدیده کودکان خیابانی و راهکارهای مقابله با آن. *فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی پلیس پایتخت*. سال هشتم. شماره ۳.

- وامقی، مروئه. (۱۳۸۲)، کار کودک، مفاهیم و رویکردها. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*. شماره ۸.

- وامقی، مروئه؛ دژمان، معصومه؛ رفیعی، حسن؛ روشنفکر، پیام. (۱۳۹۴)، ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی در شهر تهران (علل و خطرهای کار کودکان در خیابان)، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. دوره ۴، شماره ۱.

– همشهری آنلاین. (۱۳۸۶)، مدیریت شهری چیست؟. بازیابی شده در

<http://hamshahrionline.ir/details/32092>

- Alhojailan, Mohammed Ibrahim. (2012). *Thematic Analysis: A Critical Review of Its Process and Evaluation*. West East Journal of Social Sciences. Volume 1. Number 1.
- Ayub, Mahmood. (2008). *Turkey Corporate Social Responsibility*. Baseline report.
- Brent D. Beal. (2014). *Corporate Social Responsibility: Definition, Core Issues, and Recent Developments*. The University of Texas at Tyler.
- Brejning, Jeanette. (2011). *Corporate Social Responsibility and the Welfare State: the historical and contemporary role of CSR in the mixed economy of welfare*. MPG Books Group. University of Bristol.
- Brown, Drusilla K. (2002). *The Determinants of Child Labor: Theory and Evidence*. Research Seminar In International Economics. School of Public Policy. No. 486.
- Campbell, L.; Gulas, C.S. & Gruca, T.S. (1999). *Corporate giving behavior and decision-maker social consciousness*. Journal of Business Ethics. 19 375-385.
- Carlsson, Johanna; Akerstom, Richard. (2008). *Corporate Social Responsibility, a case study of Ohrlings Pricewaterhouse Coopers*. Bachelor Thesis.
- Cole, Gabrielle. *The Intersection of Corporate Social Responsibility and the Non-Profit Industrial Complex Exploitative Child Labor in Côte d'Ivoire's Chocolate Industry*. Columbia Social Work Review, Volume V. 53-63.
- Davis, K. (1960). *Can Business Afford to Ignore Corporate Social Responsibilities?*. California Management Review 2, 70–76.

- Ecimovic,T; Esposito,M. (2008) *The Individual and Corporate Social Responsibility*. ANSTED University Malasia.
- Fors, HC (2012). *Child Labour: A Review Of Recent Theory And Evidence With Policy Implications*. Journal Of Economic Surveys. University of Gothenburg.
- Fredborg, Isabelle. (2009). *Corporate Approaches to Child Labour– a Northern European Perspective*. Department of Business Studies. Uppsala University.
- Friedman, Milton(1970). *The Social Responsibility of Business is to Increase its Profits*. The New York Times Magazine.
- Garriga,Elisabet; Mele,Domenec. (2004). *Corporate Social Responsibility Theories: Mapping the Territory*. Journal of Business Ethics 53: 51–71.
- Jugder,Narantuya(2016). *The thematic analysis of interview data*. National Academy of Governance of Mongolia. Hillary Place Papers, 3rd edition, University of Leeds.
- Kashyap, Rajiv; Mir, Raza & Mir, Ali. *Corporate Social Responsibility: A Call For Multidisciplinary Inquiry*. Journal of Business & Economics Research Volume 2, Number 7 51.
- Melé, Domènec. *Corporate Social Responsibility Theories*. Oxford Handbooks Online. Available on:
<http://www.oxfordhandbooks.com/view/10.1093/oxfordhb/9780199211593.001.0001/oxfordhb-9780199211593-e-003>.
- Mozes,Michal; Josman,Zvi & Yaniv,Eyal. (2011). *Corporate social responsibility organizational identification and motivation*. Social Responsibility Journal. VOL. 7 NO. 2. 310-325.

- Murphy, Patrick E; Schlegelmilch, Bodo B. (2013). *Corporate social responsibility and corporate social irresponsibility: Introduction to a special topic section*. Journal of Business Research 66, 1807–1813.
- Muthali, Beyani Todd. *The role of Employers in Eliminating Child labour in Agriculture*. Paper for the National Conference in Eliminating Child Labour in Agriculture.
- Oonk, Gerard. (2008). *Child Labour, Trade Relations and Corporate Social Responsibility*.
- Porter, M.E; Kramer, M.R. (2002). *The Competitive Advantage of Corporate Philanthropy*. Harvard Business Review 80(12), 56–69.
- Seifert, B., Morris, S.A. & Bartkus, B.R. (2003). Comparing big givers and small givers: Financial correlates of corporate philanthropy. Journal of business ethics. 45, 195-211.
- Sharma, Sunita Upendra. (2014). *Combating Child Labor: A Gray Area of Corporate Social Responsibility*. ADR Journals.
- Teece, D. J.; Pisano, G. & Shuen, A. (1997). *Dynamic Capabilities and Strategic Management*. Strategic Management Journal 509–533.
- Thordardottir EM. (2011). *Combating Child Labour Through Corporate Social Responsibility: A Case Study of Côte d'Ivoire*. Master thesis. Faculty of Law, Lund University.
- Winstanley, Diana; Clark, Joanna; Leeson, Helena. (2002). *Approaches to child labour in the supply chain*. Business Ethics: A European Review. Vol 11, No 3.